

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائزه محمودی

۰۸ مارچ ۲۰۲۴

آزادی زن در جامعه طبقاتی

دوستان نهایت گرامی خواهران و برادران درآشنایم! هشتم مارچ که روز برابری و آزادی و جنبش کارگری زن در اجتماع انسانی است، را به شما عزیزان تبریک می گویم. می دانیم که این روز با مبارزه زنان قهرمان و از خودگذر غیور و هوشیار در المان، فرانسه و شوروی (شرقی و غربی) و زنان فعال و مبارز امریکا و تمام قاره های جهان گره خورده است که رهبران بزرگ سوسیالیست جهان مانند کلارازتکین و دیگر زنان سوسیالیست مبارز، کارکن و پیشتاز در راه تحقق آن پیشتازی کردند. این زنان پیشتاز توانستند با اندیشه مارکسیستی خویش با مبارزه علیه طبقه سرمایه دار و فاشیسم که او می گفت: «فاشیسم درنده خوترین شکل انحصار سرمایه داریست»، حق رأی و حق کار را برای زنان زنده ساخته و عملاً به ثبوت رساندند.

کلارا زتکین می گفت: «کسانی که آزادی و انسانیت را در پرچم خود حک کرده اند، نمی بایست نیمی از بشریت را به بردگی اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محکوم نمایند، همان طوری که مرد تحت فشار سرمایه دار قرار دارد، زن نه تنها تحت فشار سرمایه دار، اضافه بر آن تحت تأثیر و استثمار مرد نیز قرار دارد و از این لحاظ زن وابسته اقتصادی می ماند و همیشه تحت فشار واقع خواهد بود. کار کردن زن در جامعه، پایه اول اسقلال اقتصادی زن است.»

می دانیم که زنان کارگر و مبارز امریکائی در سال های ۱۹۰۰ برای گرفتن آزادی و برابری جنگیدند که بالاخره در سال ۱۹۱۰ کلارازتکین این روز را برای حق رأی، حق کار و دیگر مزایای زندگی برای زنان کارگر تعیین کرد و تا امروز که اضافه از صد سال از آن می گذرد، به همان اساس در احزاب سوسیالیستی تجلیل می گردد و باید با داشتن هدف رهایی زن و مرد در جامعه تحت ستم و تجاوز دولت های امپریالیستی چه مستقیم که مستعمره باشند و چه نیمه مستعمره و چه تا حدی آزاد) تجلیل گردد.

وقتی می خواهیم برای آزادی زن در جامعه خود یعنی افغانستان عزیز سخنی چند بنویسم، باید تاریخچه مملکت عزیز ما را نه چندان دور، بلکه در ظرف ۴۵ سال اخیر که جنگ تجاوزکارانه و ارتجاعی ادامه دارد و ما تحت سلطه مستقیم و یا غیر مستقیم امپریالیسم قرار داشته ایم و پس از هر چند سالی دلکی دست نشانده و خیانتکار و اداره ای پوشالی مزدور و ارتجاعی به جای قبلی می نشیند، مرور کوتاهی کنیم.

چون مردم مملکت ما با زور امپریالیسم انگلیس و حالا امریکا - ناتو عمداً بسیار عقب نگه داشته شده اند و از این لحاظ چیزهایی که ضرورت روزانه مردم ما است و از ۷۰ تا ۸۰ فیصد مواد اولیه ضروریه ما از ممالک همسایه مانند چین، هند، پاکستان، ایران و غیره می آید و ۳۰ فیصد ما صادر کننده هستیم که از درآمد قالین های دستی (که اکثر

کارکنان آن زن و اطفال است)، پشم، نباتات طبی، تریاک، هیروئین، چرس، چرم، میوه خشک و تازه، سبزی و... می باشد. از این رو، از سال ها قبل بدین سو بانک جهانی بقایای کمبود مملکت را کمک می کنند. همچنان کمک همسایه هائی که چشم دوخته به خاک مقدس، پرحاصل و غنی از نگاه ذخایر معدنی دارند، نیز وجود داشته است که در تمام زمان چه قبل از کودتای ننگین هفت ثور و چه بعد آن، از گاو غدود هم به مردم اصلی ما نمی رسیده و هم برای بهبود جامعه مصرف نمی شده است.

مهم ترین و اساسی ترین مسأله، نگرش طبقاتی به موضوع ستمکشی زن، حقوق زن و آزادی زن است. این که کدام طبقه در قدرت است؟ کدام طبقه یا طبقات وسائل تولید و محصول تولید را تصاحب می کنند؟ کی استثمار می کند و کی استثمار می شود؟ این را باید و شاید تشریح کرد. زیرا در جامعه طبقاتی همه چیز طبقاتیست، به شمول آزادی جامعه و آزادی «زن» و در مملکت ما که تقریباً ۸۰ فیصد قدرت دولتی را ملاک و زمیندار های بزرگ و ۲۰ فیصد تجار دلال و سرمایه دار در قبضه دارند، که یک دولت نیمه فیودال و نیمه سرمایه دار و کلاً نیمه مستعمره را می سازد. ۹۰٪ مردم ما را کمتر از ۱۰ فیصدی که طبقات حاکمه و حکام اند، در کنترل دارند. البته ۸۰٪ فیصد مردم ما دهقانان و ۱۰٪ کارگران و کسانی که در دوایر دولتی و بخش های خدماتی به حیث مأمور پایان رتبه، آموزگار و شاغل کار می کنند، تشکیل می دهد.

دوستان عزیز اگر تاریخ گذشته وطن عزیز خود را ندانیم که در ظرف این ۴۵ سال از ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲ که با کودتای ننگین "خلق و پرچم" آغاز شد، با تجاوز نظامی شوروی گسترش یافت، تا دو بار مجدد طالبان بعد تجاوز امپریالیسم امریکا - ناتو بیشرمانه در تلاش برای اسارت، فریب و افتراق مردم ما بوده است. در ظرف چند ماه پس از کودتا تره کی را حفیظ الله امین خورد و حفیظ الله امین که شاگرد با وفای ترکی بود، خودش در ۶ جدی ۱۳۵۸ با تجاوز مستقیم روس، در کام ازدهای روسی بلعیده شد.

تجاوز سوسیال امپریالیسم روسی با خیانت ملی "ضد انقلابیون و مزدوران" خلقی - پرچی" برای مدت ۱۰ سال دوام کرد. مزدوران "خلقی - پرچی" قبل از آن، هر شش ماه برای گرفتن قدرت و منافع شخصی و جناحی بار ها تبدیل قدرت کردند که در سال ۱۳۵۸ شمسی سوسیال امپریالیسم روسی با تجاوز مسلحانه اداره و کنترل مستقیم مملکت عزیز ما را در دست گرفت. پس از فرار اشغالگران روسی و شرکاء و سقوط اداره پوشالی ساخته آنها، برهان الدین ربانی به نمایندگی از جهادی های ساخت امپریالیسم امریکا و ارتجاع منطقه در ارگ غلامان به جای نجیب جلال نشست. با اشغال مجدد افغانستان توسط امپریالیسم امریکا و شرکاء، فروخته شده هائی به امپریالیسم امریکا مانند حامد کرزی و غنی احمدزی فعلاً فراری و حالا سگ چوپه های طالبی امپریالیسم امریکا تازه به دوران رسیده و خر دوانی می کنند.

طالبان و امریکا - ناتو در ظاهر با هم دشمن و در باطن کنترل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ما به دست دولت های غرب مانند انگلستان، فرانسه، المان و امپریالیسم غدار امریکا است که هفته وار مبلغ ۴۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار به دولت طالبان داده می شود تا به کمک آن علاوه از درک تاراج منابع داخلی و چاپیدن مردم، سر جا باقی بماند.

شما باید از روی گزارش رسانه ها ببینید که مردم شریف و بیچاره ما مخصوصاً زنان توسط این فرمان های جاهلانه و ضد انسانی رهبر پرده نشین طالبان زندانی خانه شده و گرسنگی می شکند. تا حال ۲۰ فرمان مزخرف برای زنان ساخته اند، بدون منطق، و همه به نفع امپریالیسم امریکا؛ برای سرکوب زنان و جانان و به سود سلطه ارتجاعی و دول غارتگر منابع طبیعی کشور ما. چه مصائب جانکاه و ستم هائی نیست که مرد و زن مملکت ما نمی کشند.

خواهران عزیز و مبارز و آزادی طلب! باید به شما ابراز کنم که آزادی زن که رکن حتمی یک جامعه انسانی متشکا از زنان و مردان است، وقتی میسر می شود که تمام استثماریگران و دستنشانده های خارجی از قدرت برانداخته شوند و یک دولت دموکراتیک و مستقل با پایگاه مردمی که از منافع طبقات و اقشار زحمتکش حراست کرده، به نیاز های اساسی و اولیه توده ها رسیدگی کرده و برای زنان و مردان زحمتکش کشور کار و اشتغال ایجاد کند. این در صورتی انجام پذیر است که اتحاد و همبستگی بین طبقات استثمار شده و کسانی که نه صاحب زمین و نه صاحب وسایل تولید و مالکیت اند، صورت بگیرد و تحت یک اندیشه و سیاست مترقی با اتحاد طبقات کارگر و دهقان که زنان نیز در آن شامل است، به میان بیاید و مبارزه جدی و مستمر صورت بگیرد. البته اینکار در حرف، کار ساده و آسان است و در عمل کاری خیلی مشکل می باشد، زیرا امپریالیسم به صورت عموم از هر نیرنگی استفاده غیر قانونی کرده، زمانی با پنبه هلاک می کند و زمانی با انداختن (مادر بمب ها) که قریه ها را از روی زمین محو می کند.

تجاوز مستقیم را همه می بینند و احساس دشمنی کرده و تا حال به تجاوز دشمن غیر قانونی خارجی جواب مستقیم داده ایم که مملکت عزیز ما را «گورستان امپراتوری ها» نام نهاده اند و اما با پنبه هلاک کردن که تحت نام آزادی و مساوات یاد می گردد، که همراه با نیرنگ و دروغ است که درک آن به جوانان و نوآموزان خیلی دشوار است.

چون ما از جنبش زن و مبارزه سوسیالیستی صحبت داریم، باید ببینیم که امپریالیسم و شرکاء چطور نسل جوان را فریب داده و مانع تحقق آرمان های مقدس ایشان می گردد. یکی از مثال های آن در وطن عزیز ما مبارزه فیمینیستی «آزادی برای زنان» است بدون در نظر گرفتن وضعیت جاری کشور، با نادیده گرفتن پایه های اقتصادی، سطح فرهنگی و اجتماعی جامعه در قالب نظام کهنه و فرسوده و بدون رهایی از بند استعمار، ارتجاع و استثمار، مطالبات غیرطبقاتی و رفورمیستی آزادی و مساوات را خواهان اند. زنانی مانند رینا امیری، ملالی جویا و زنان همراهش، فوزیه کوفی، سهیلا صدیق، حبیبه سرابی، آریانا سعید و نیلوفر رحمانی و هتایان اینان از این قماش اند که وجدان خود را با وطن یکجا به امپریالیسم امریکا و شرکاء فروخته اند و راه نجات مردم و زن را با سازش با این کسانی که حالا حتا به کوچک ترین فرد جوامع جهانی نمایان شده است که متجاوز، قاتل، زن ستیز و جنایتکار بوده اند، بسته اند. این مهره های مدنی امپریالیسم اشغالگر به این توهم دامن زده و می زنند که زن می تواند بدون تغییر بنیادی جامعه به آزادی دست یابد. این یک عمل تروریستی است تا مردم و زنان فکر کنند که می توانند آزاد زندگی کنند. مثال آن مردم امریکا است. مردم امریکا در فقدان شعور طبقاتی به اشتباه فکر می کنند که آزادی بیان رکن اول قانون اساسی امریکا است و تشکیل جماعت ماده دیگر آن. اما در ایجاد یک تشکل مبارزاتی و یک مظاهره عادی نه تنها پولیس، بلکه عساکر را نیز با ماشیندار می آورند و در هر خواست و جمعیت قانونی ده ها نفر کشته و هزاران تن دیگر زندانی می شوند، یعنی مردم امریکا و زنان آن در لفافه آزادی بیان هزاران تن به زندان می روند و جرایم نقدی می پردازند.

یکی از نمونه این زنان «رینا امیری» که در حدود پنجاه و چند سالش است و فارغ تحصیل از سیستم درسی امریکا است، در یکی از محافل گردهمایی سران امریکائی از جمله شنودگان بود. وقتی دولت امریکا که خودش بزرگ ترین تروریست جهان است مردم ما را تروریست خطاب کرد، محترمه از جا برخاسته و به انتونی بلینکن وزیر خارجه امریکا گفت گر چه چهره تمام مردم افغانستان در ظاهر به تروریست می ماند، لاکن ما قلباً طرفدار دولت امریکا هستیم و دولت شما را از دل و جان دوست داریم. انتونی بلینکن با مشاهده خوشخدمتی رینا امیری، بعد از کشیدن او از ماشین چاکر پروری دولت متجاوز و طالب پرور امریکا، او حالا نماینده ویژه وزارت خارجه امریکا در امور زنان افغان می باشد. معلومات مزید در باره هر کدام از این پرانچه های امپریالیستی حاکی از چاکری، میهن فروشی، ذلت و حقارت هر یکی از این قماش مزدوران است که با گرفتن کمک های دالری، خود، ناموس خود و وطن را فروخته اند

و هیچ کدام اینان قابل اعتماد مردم شریف ما و در مجموع شما دختران و جوانان انقلابی، دموکرات و میهن دوست نمی باشند.

باید در برابر این توهمات رفورمیستی و سازشکارانه و تبلیغات زهرآگین این طیف از چاکران استعمار هوشیار بود. که بدون گرفتن قدرت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مملکت عزیز ما توسط خلق و طی تحولات انقلابی و بنیادی؛ نه تنها آزادی وجود ندارد، بلکه با مسخره کردن مردم ما، فرهنگ و عنعنات ما، حق زندگی آزاد و آبرومندانه در کشور را نیز از دست ما ربوده اند.

من با شما در اول گفتیم که برای درک جامعه ای که در آن زندگی می کنیم، باید تاریخ مملکت خود را بدانیم و ما دریافتیم که هر دو بار تجاوز امپریالیست ها در وطن عزیز ما کنترل و اداره مردم و وطن را در قید داشته اند و رقاصه های سیاسی و دلک های آن با ساز آنها اتن راه انداخته و کار های شرم آور خود را می کرده اند که لکه های ننگ ابدی بر جبین شان باعث سرخمی و خجالت و در عین زمان انتقام جوئی از جانب خلق کبیر ما می گردد.

امپریالیسم امریکا در نقش ارباب جنایتکاران طالبی که با داشتن بیش از ۸۰۰ پایگاه عسکری فکر می کند که جهان را یک قطبی می سازد، اما امروز نه تنها که جهان امپریالیستی در یک قطب نمانده است، بلکه میلیون ها خلق جهان علیه آن برخاسته و آرزوی برپادی امپراتوری آن را دارند. ما و شما جنگ اسرائیل با غزه را که نسل کشی و تجاوز مستقیم خاک فلسطین است، می ببینیم که مردم جهان خیلی از اسرائیل نفرت عمیق دارند و هر روز شعار «!genocide Joe you must to go» (نسل کشی باید متوقف گردد!)، همچنان ضد انتونی بلکین و سازمان جهمی "سیا" شعار می دهند. مردمان امریکا و جهان نیک می دانند که این جنگ در اصل تنها جنگ ناتنها با فلسطین نیست، بلکه جنگ بین امریکا و رقبای شرقی و منطقه ئی اش است تا از ذخایر انرژی و موقعیت حساس این منطقه استفاده کنند. لذا ناتنها را به حیث سگ پاچه گیر تربیت کرده و هر روز نو ترین سلاح و میلیارد ها دالر به او کمک می کند، ولی در ظاهر می گوید که نسل کشی نکن. اما در رأی دهی "دیوان بین المللی دادگستری" مستقر در لاهه (ICJ) در خصوص پیشنهاد افریقا جنوبی مبنی بر محکومیت دولت اسرائیل بابت نسل کشی فلسطینیان، دو کشور با محکوم کردن اسرائیل مخالفت کردند که یکی آن امپریالیسم امریکا بود.

تعدادی از زنان مترقی و از خود گذر افغان از زمان سلطه کهن استعماری اتحاد شوروی بر کشور ما برای آگاهی و تشکل زنان تحت ستم جامعه به پا خواستند و در مبارزات انقلابی حصه گرفتند. که در این مبارزه اکثریت زنان واقعی جامعه ما که در جبهات جنگ کشته شدند و یا برای سال های طولانی زندانی گردیده و تعدادی نیز به اجبار ترک زادگاه کرده اند. یکی از آن زنان مبارز «مینا کشور کمال» از جمله مبارزان انقلابی چپی بود که گلبدین قصاب در سال ۱۹۸۷ او را در پاکستان ترور کرد. چند جمله مختصر در شناسائی آن وی بیان می دارم.

«مینا کشور کمال» که در سال ۱۳۳۳ تولد و در ۱۳۶۵ توسط تروریست ها ترور گردید. او یک زن تحصیل یافته، نویسنده، فعال سیاسی رهبر و بنیان گذار اولین تشکل مستقل زنان افغانستان به نام جمعیت انقلابی زنان افغانستان «راوا» بود که زنانی را به دور آن نهاد جمع کرد که علیه تسلط شوروی مبارزه می کردند. دشمنان خلق با پیشروی تمام او را ترور کردند که این خود نشان دهنده مبارز واقعی زنان و انحراف جانشینانش از اهداف اولیه مبارزه مینا، خیانت زنان تسلیم طلب، رفورمیست، مدنی و فیمنست به مینا و مبارزاتش است.

قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی با امر و نهی بر جلاخان گوش به فرمان احزاب اسلامی و به خصوص «گلبدینی» مبارزان مترقی و آزادیخواه کشور ما را حذف فزیزی کردند. از جمله "مینا" و پروفیسر "قیوم رهبر" را نیز همین جانی های گلبدینی در پاکستان ترور کردند. یاد شان گرامی باد!

دوستان عزیز ما و شما در وطن عزیز ما به انواع و اقسام حيله های دول استعمارگر که اشتهاى سبرى ناپذبرى دارند، رو به رو شده ایم. به طور مثال ما که قانون اساسى را برای اولین بار در زمان حکومت شاه امان الله دیدیم، در دوران حبیبالله کلکانى از بین رفت و در ادامه بگير و ببند هر دولت دست نشانده انگلیس و امریکا و روس که آمد، چیز های خوب قانون اساسى غازی امانالله خان را به نفع خود حذف کردند و حالا جاهل ترین و بی سواد ترین مردم دنیا یعنی طالبان نه تنها آن خوبی های آن قانون را حذف، بلکه با حماقت زیاد بیست فرمان برای زنان مملکت ما داده اند که مضحک ترین آن چیدن ابرو است.

اگر مردم کشور اعم از زنان و مردان ستمدیده با اتحاد و همبستگی مبارزاتی اداره ضد ملی و ضد انسانی طالبانی را سرنگون نساژند، چند صباح بعد قانون وحشیانه تر دیگری را صادر خواهند داد. این از ضعف و پراکندگی خلق و نیرو های مبارز و مترقی است که مزدوران جنایتکار طالبی حاکمان کشور شده و در سکوت ملت و تاریکی قرون وسطائی چنین احکام جاهلانه، تبعیضی و ضد انسانی را صادر می کنند. این تصادفی نیست. دولت های امپریالیستی به کمک حاکمان مرتجع و مستبد بومی و مرتجعین مذهبی در طول تاریخ با تحمیل عقب نگه داشتگی کشور ما، زنان و دختران مملکت ما را از ادامه تحصیل و کار کردن منع کرده اند. با این کار اضافه از نصف نفوس جامعه را فلج نموده تا فامیل ها نتوانند غذا، لباس، ادویه و در همه امور پسمان باشند و کشور از شاهراه ترقی و تمدن به دور ماند و هم توده های زن و مرد و هم مملکت در حرمان و احتیاج به سر برند. اینان با زور دین اسلام که گویا یکی از ادیان الهی است و منطق هم نمیپذیرد و با مراجعه به "کتاب الهی" «قران»، هر ستم، جنایت و خیانت را که می خواهند بالای مردم عزیز و زنان هوشیار و آگاه و به ویژه زنان ناآگاه و درنبد جامعه ما تحمیل می کنند.

نتیجه این است که ما باید متحد شویم و از طریق مبارزه نظامی دموکراتیک، مستقل و مردمی سیکولار را پی ریزیم تا دین و مذهب از دولت و معارف جدا گردد و ما بتوانیم از قانون اساسی مدنی ای که توسط فرزندان فرزانه خلق ما تدوین و توسط نمایندگان منتخب خلق تصویب شده باشد، را وثیقه و رهنمای کلیه امور زندگی خود قرار دهیم.

متحد باد خلق کشور ما و نیرو مند باد اتحاد مبارزاتی آنان!